



خبرنگاران و عکاسان جنگنا سیمپسون خواننده را در حال بیرون آمدن از یک رستوران تعقیب می‌کنند

**گزارشگران مدام زیر تیغ ادعای نقض حریم خصوصی قرار دارند**

# تقابل حریم شخصی با نافع عمومی

نپذیرفت نقض حریم خصوصی اتفاق افتاده است. انتشار اطلاعات خصوصی اسنادی که عمومی محسوب می‌شوند، از ابعاد پیچیده حوزه حریم خصوصی به‌شمار می‌رود. اگر اطلاعات از اسناد عمومی، مثل گواهی تولد، گزارش پلیس یا فرایندهای قضایی به دست بیاید، رسانه‌ها معمولا متعهد به انتشار آن اطلاعات نیستند اما می‌توانند این کار را بکنند. برای مثال یک روزنامه می‌تواند فهرستی از افرادی را که طلاق گرفته‌اند، اگر این فهرست از اسناد دادگاه به‌دست آمده باشد، بدون اینکه در نظر بگیرند این کار باعث ناراحتی آن افراد می‌شود یا نه، منتشر کنند.
باین‌حال همه اطلاعاتی که از نهادهای عمومی به‌دست آمده زمینه‌بخشی از اسناد عمومی به‌حساب نمی‌آیند. در برخی از ایالت‌های آمریکا، محدودیت‌هایی در عرضه اطلاعاتی مشخص وجود دارد، حتی اگر این اطلاعات بخشی از اسناد عمومی باشد. این محدودیت‌ها با مهروموم‌کردن اسناد عمومی و کاهش دسترسی به فرایندهای قضایی مشخص اعمال می‌شود.
به این حال، در برخی از ایالت‌ها اگر اطلاعات به‌ه طرقی قانونی درباره یک دغدغه عمومی از منابع دولتی به دست آید و یک روزنامه‌نگار آن را منتشر کند، برخورد خیلی سختی با او انجام نمی‌شود.

در مورد اطلاعات به‌دست‌آمده از اسناد عمومی، گزارشگران باید بسیار مراقب باشند؛ برای نمونه، یادداشت‌های یک کارآگاه پلیس قسمتی از گزارش رسمی پلیس به‌شمار می‌رود و می‌تواند جزء اسناد عمومی نباشد. در چنین مواردی، گزارشگران نمی‌توانند اطلاعاتی را که از آن سند نیمه‌رسمی کسب شده، منتشر کنند. از سوی دیگر، باید توجه داشت‌که ارزش خبری یک واقعیت خصوصی می‌تواند بر اثر گذشت زمان تحت تأثیر قرار بگیرد. ممکن است با انتشار اطلاعات خصوصی افرادی که زمانی سوء‌شهرت داشته‌اند اما حالا از آنها اعاده حیثیت شده و به زندگی عادی بازگشته‌اند، مشکلاتی پیش بیاید. مثلا برای ساخت یک مستند تاریخی، ممکن است از فیلم‌هایی استفاده شود که گذشته ناخوشایند فردی را به تصویر می‌کشد و روی نام نیک فعلی او تأثیر می‌گذارد. انتشار اطلاعات شخصی این فرد، اگر یک چهره عمومی نباشد، مصداق نقض حریم خصوصی است، حتی اینکه این فرد زمانی یک چهره عمومی بوده اما حالا مدت‌هاست دیگر چهره‌ای عمومی نیست نیز نمی‌تواند باعث شود انتشار اطلاعات درباره گذشته‌اش از سوی رسانه‌ها مجاز باشد. البته باید گفت در عرف حرفه‌ای افشای اطلاعات درباره مقامات رسمی و چهره‌های عمومی مشمول قواعد گذشت زمان نمی‌شود. در زمینه انتشار اطلاعات خصوصی، باید به معیارهای اجتماعی هر جامعه نیز توجه کرد. حساسیت یک جامعه باید هنگام تصمیم‌گیری درباره اینکه آیا یک حقیقت شخصی باید توسط رسانه‌ها گزارش شود یا نه، مورد توجه قرار بگیرد. با این حال، قوانین معمولا طوری طراحی نمی‌شوند که از حساسیت‌هایی درباره‌ها که بیش از اندازه هستند، حمایت کنند.



**فرد الف به بیماری نادری مبتلا شده که کنجکاو مردم را برانگیخته و در بیمارستان بستری شده است و فرد ب که یک روزنامه‌نگار است به او تلفن می‌کند و می‌خواهد با او مصاحبه‌ای ترتیب بدهد اما فرد الف نمی‌پذیرد که او را ملاقات کند و او را ملاقات کند. سپس فرد ب به بیمارستان می‌رود و وارد اتاق فرد الف می‌شود و عکسی از او می‌گیرد. در این حالت فرد ب بدون اجازه وارد حریم خصوصی فرد الف شده است؛ فارغ از این که عکسی از فرد الف منتشر کند یا نه.**



زمانی‌که انتشار اطلاعات خصوصی باعث شود یک رسانه به دادگاه فراخوانده شود، این رسانه می‌تواند برای دفاع از خود اثبات کند که آن اطلاعات دارای ارزش خبری زیاد و در مسیر منافع عمومی بوده است. دادگاه ممکن است در تعیین اینکه اطلاعات منتشرشده دارای ارزش خبری بوده است، عوامل گوناگونی را مورد توجه قرار دهد. از جمله این عوامل می‌توان به ارزش اجتماعی واقعیت‌های منتشرشده و میزان دخالتی که مطالب به‌ظاهر در امور شخصی افراد داشته، اشاره کرد و اینکه آیا فرد به طور خودخواسته موقعیت یک فرد دارای سوءشهرت در میان عموم را به گردن گرفته یا نه.

**نور کاذب**

نور کاذب یک نوع نقض حریم خصوصی است و هنگامی رخ می‌دهد که اطلاعاتی که درباره شخصی منتشر می‌شود، اشتباه است یا فرد را زیر یک نور کاذب تحت توجه قرار می‌دهد که این وضعیت برای او به‌شدت آزاردهنده یا مخرب است. با اینکه این جرم خفیف مشابه افترا و هتک حرمت است اما با آن یکی نیست. مطلبی که مشمول قواعد نور کاذب می‌شود، نباید لزوما یک مطلب افتراآمیز باشد. این نوع از نقض حریم خصوصی معمولا زمانی رخ می‌دهد که یک نویسنده مطلب خود را در یک رسانه پیش از اندازه غلیظ می‌کند یا آن را تخیلی می‌نویسد یا از یک فیلم یا عکسی استفاده می‌کند که برای تصویری‌کردن رویداد خبری از آرشيو بر داشته شده است.

نور کاذب شامل شاخ‌وبرگ‌دادن به مطالب (مطالب و اطلاعات اشتباه که به یک نوشته اضافه شده)، تحریف (چینش اطلاعات یا عکس‌ها برای تأثیرگذاری

نقض حریم خصوصی افراد یکی از دردسره‌ای همیشگی برای روزنامه‌نگاران است. تقریبا هر کشوری برای خود قوانین حفظ حریم خصوصی دارد و قوانین بیشتر آنها طوری است‌که تلاش می‌کند موازنه‌ای بین حق حریم خصوصی افراد و منافع عمومی در آزادی مطبوعات ایجاد کند.
باین‌حال اغلب این حقوق رویه‌روی هم قرار می‌گیرند.

در ایالات متحده مفهوم حق حریم خصوصی اولین بار در سال ۱۸۹۰ در مقاله‌ای در مجله «هاروارد ل ریویو» مطرح شد اما ۱۵ سال طول کشید تا دادگاه‌ها را را به رسمیت بشناسند. اولین بار دیوان عالی ایالت جورجیا حق را به فردی داده بود که عکس او بدون اجازه‌اش در آگهی تبلیغاتی یک روزنامه منتشر شده بود. نقض حریم خصوصی شامل شرکت‌ها نمی‌شود و منحصر به افراد است. چهره‌های عمومی در ادعا برای رعایت حق حریم خصوصی محدودیت دارند. مقامات فعلی و سابق دولتی، نامزدهای سیاسی و چهره‌های حوزه سرگرمی و ورزش عموما به‌عنوان چهره عمومی در نظر گرفته می‌شوند. به آنها توصیه شده که خودشان را داوطلبانه در معرض بررسی دقیق قرار دهند و از حق حریم خصوصی خود صرف‌نظر کنند. دست‌کم در موضوعاتی که ممکن است تأثیری روی توانایی آنها در اجرای وظایف عمومی شان داشته باشند.

با اینکه افراد معمولا می‌توانند مطالبه کنند که حق حریم خصوصی آنها محفوظ بماند، این حق مطلق نیست. برای مثال اگر کسی که به‌طور معمول یک

چهره عمومی ارزیابی نمی‌شود، به دلیل مشارکتش در اتفاقی که ارزش خبری دارد، در نقطه تمرکز رسانه‌ای قرار بگیرد، ممکن است مطالبه او برای حق حریم خصوصی محدود باشد.حق حریم خصوصی می‌تواند از چهار طریق در رسانه‌ها نقض شود: ورود بدون اجازه، انتشار اطلاعات خصوصی، نور کاذب و سوءاستفاده. **ورود بدون اجازه**

ورود بدون اجازه مربوط به وقتی است که یک نفر به‌طور عمدی و بدون اجازه و به شکل فیزیکی یا غیرفیزیکی وارد خلوت یا قلمروی خصوصی یک شخص یا امور مربوط به او شود.
دعای ورود بدون اجازه که علیه مطبوعات انجام می‌شود، اغلب روی جنبه‌های فرایند جمع‌آوری اخبار متمرکز می‌شود. این کار می‌تواند شامل استفاده ناصحیح از ابزارهای ضبط صدا یا تصویر هم باشد. ورود غیرمجاز به منازل افراد یا برخی از انواع روزنامه‌نگاری پاپاراتزی نیز می‌تواند جزء این شیوه از نقض حریم خصوصی باشد. مسئله در اینجا این است که اصلا مهم نیست وقتی ورود بدون اجازه به حریم خصوصی افراد انجام می‌شود، اطلاعات به‌دست‌آمده از این طریق منتشر بشود یا نه. حتی اگر اطلاعات به‌دست‌آمده از طریق ورود غیرمجاز انتشار نیاید هم این امر یک کار غیرقانونی است و ذی‌نفع می‌تواند بابت این کار شکایت کند. سناریوی متداولی برای تشریح این اتفاق وجود دارد: فرد الف به بیماری نادری مبتلا شده که کنجکاوای مردم را برانگیخته و در بیمارستان بستری شده است و فرد ب که یک روزنامه‌نگار است به او تلفن می‌کند و می‌خواهد که با او مصاحبه‌ای ترتیب بدهد اما فرد الف نمی‌پذیرد که او را ملاقات کند. سپس فرد ب به بیمارستان می‌رود و وارد اتاق فرد الف می‌شود و عکسی از او می‌گیرد. در این حالت فرد ب بدون اجازه وارد حریم خصوصی فرد الف شده است؛ فارغ از این که عکسی از فرد الف منتشر کند یا نه.

**انتشار اطلاعات خصوصی**

انتشار اطلاعات صحیح درباره زندگی خصوصی یک شخص که می‌تواند برای او ناراحت‌کننده باشد و منافع عمومی مشروعی هم پشت سر آن نیست، در برخی ایالت‌های آمریکا یک نوع نقض حریم خصوصی به‌شمار می‌رود. موجه مشروع بودن ورود به حریم شخصی افراد اغلب با چگونگی به‌دست‌آوردن این اطلاعات و میزان ارزش خبری آن تعیین می‌شود و از یک جامعه تا جامعه دیگر متفاوت است. به‌همین‌ترتیب افشای حقایق خصوصی و جنجالی درباره اعمال جنسی یک فرد یا وضعیت سلامتی یا اقتصادی او می‌تواند قسمی از نقض حریم خصوصی تعیین شود. گزارش‌دادن رویدادهای خبری که در ملاءعام اتفاق می‌افتد، به‌طورکلی نقض حریم خصوصی به‌شمار نمی‌رود. برای مثال، دستگیری افراد دارای ارزش خبری تشخیص داده می‌شود و بنابراین مطبوعات آزاد هستند که به‌طور صحیح آنها را گزارش بدهند. حتی امکان پیگیری عکسی که از لحظات خصوصی یک زوج در ملاءعام ثبت می‌شود، وجود ندارد و در دادگاه‌ها معمولا افراد را زمانی که در مکانی عمومی اطلاعات شخصی آنها ثبت شده باشد، نمی‌توانند به‌عنوان یک استثنای موجه مورد توجه قرار دهند و آنها نمی‌توانند ادعای نقض حریم خصوصی کنند.

افشایکری عمومی درباره کودکان به‌خصوص وضعیت پزشکی و درمانی آنها نیز ممکن است موضوعی برای رسانه‌ها در زمینه توجیه نقض حریم خصوصی باشد. یک مورد مشهور دراین‌باره اتفاقی است که در سال ۱۹۹۰ رخ داد؛ در این سال پدر یک دختر ۹ساله از بی‌بی‌سی شکایت کرد که در یکی از برنامه‌های مستند خود درباره سوءاستفاده از کودکان، تصویر دخترش را نشان داده است. در این برنامه دختر به مادرش می‌گوید که از سوی پدرش مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته است. دادگاه فدرال رأی داد که این کار یک مورد نقض حریم خصوصی به‌شمار می‌رود و امکان پیگیری ادعای پدر علیه بی‌بی‌سی وجود دارد. در نهایت این شبکه با پرداخت ۱۷۵ هزار دلار با شاکلی مصالحه کرد اما

## رسانه

پنجشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۶ • سال یازدهم • شماره ۲۹۷۸ • ۹

# شرق روزنامه

### نگاه

**حسن نمکدوست تهرانی:**

## ابزارپروپاگاندا احتیاجی به آموزش روزنامه‌نگاری ندارد

شاید آنچه باعث شده تا آموزش روزنامه‌نگاری را با نگاه انتقادی‌تری ببینند و راهکارهایی برای ارتقای آن پیشنهاد دهد؛ جدانشدن او از یک سیستم دانشگاهی در مقطعی از زندگی حرفه‌ای‌اش و نگاه از بیرون به مسئله باشد. حسن نمکدوست‌تهرانی، مدیر مرکز آموزش و پژوهش همشهری، در گفت‌وگو با «شفقارسانه» معتقد است آموزش روزنامه‌نگاری در ایران روزآمد نیست و دلایلی هم برای این ایده دارد. البته همه مسئله آموزش در کشور را در سیستم آموزشی نمی‌بیند. نبود ارتباط ارگانیک بین مراکز آموزش با مراکز حرفه‌ای را هم بخش دیگری از این مسئله می‌داند و البته در رصد رسانه‌های فعال در کشور به این نتیجه رسیده است که بعضی از آنها اصلا در زائر روزنامه‌نگاری نمی‌گنجد و بیشتر در زائر جنگ روانی قرار می‌گیرند. نمکدوست می‌گوید روزنامه‌نگار باید آموزش ببیند که عینی‌گرا و منصف باشد و خود را وقف حقیقت کند. درحالی‌که این ویژگی‌ها در بخش مهمی از رسانه‌های ما اختلال ایجاد می‌کند. در ادامه، متن خلاصه‌شده گفته‌های نمکدوست را می‌خوانید:

مهم‌ترین مسئله در آموزش روزنامه‌نگاری به‌صورت خاص این است که حدود ۵۰ سال گذشته تحولی جدی در آموزش روزنامه‌نگاری ایران صورت نگرفته است. آموزش روزنامه‌نگاری - که ما به‌صورت متعارف داریم- شاخه‌های مختلف روزنامه‌نگاری را جدا از هم می‌بیند یعنی ما درحال حاضر در دانشگاه علامه طباطبایی به‌عنوان یک دانشگاه اصلی آموزش روزنامه‌نگاری، همچنان روزنامه‌نگاری را در چارچوب روزنامه و نه مطبوعات می‌بینیم. یعنی آموزش دانشجویان معطوف به روزنامه - آن هم نه روزآمد و امروزی- است. در دانشگاه صداوسیمما هم اگر قرار بود روزنامه‌نگاری تدریس شود که نمی‌شود، احتمالا تصور بر این بود که ژورنالیسم صرفا رادیویی یا تلویزیونی را باید یاد بدهند. درحالی‌که الان در جهان، روزنامه‌نگاری یکپارچه دیده می‌شود؛ یعنی روزنامه‌نگار باید همه مهارت‌های کار در محیط چاپ، رادیو و تلویزیون و وب را بیاموزد و تکنیکی بین این نوع روزنامه‌نگاری وجود ندارد. روزنامه‌نگار امروزی، روزنامه‌نگار چندرسانه‌ای است یعنی هم باید مهارت روزنامه‌نگاری کاغذی را داشته باشد، هم رادیویی و تلویزیونی و هم وب و شکل‌های دیگر روزنامه‌نگاری که در حال پدیدارشدن هستند.

ما الگوهای ثابت را تدریس نمی‌کنیم. مثلا می‌گوییم خبر، مصاحبه، گزارش، یادداشت و مقاله. شکل‌های مختلف دیگری هم پدیدار شده که ما اساسا در ادبیات روزنامه‌نگاری با آنها مواجه نمی‌شویم. مثلا ما



روزنامه‌نگاری روانی را تدریس نمی‌کنیم یا مثلا راجع به روزنامه‌نگاری جست‌وجوگر از منظر نظری در دوره کارشناسی ارشد بحث می‌کنیم، ولی اصلا در دوره کارشناسی، روزنامه‌نگاری تحقیقی مطرح نمی‌شود. همچنین روزنامه‌نگاری ورزشی، خانواده، کودکان، شهری یا سبک زندگی آموزش داده نمی‌شود درحالی‌که در دنیا برای این موضوعات، متون خاصی تدوین شده است. ما حتی روزنامه‌نگاری بحران به معنای تکنیکال آن را آموزش نمی‌دهیم. یعنی درواقع از یک طرف آن گسست را برطرف نکرده‌ایم و از طرف دیگر به سراغ شکل‌های دقیق‌تر و عمیق‌تر روزنامه‌نگاری نرفته‌ایم که معطوف به موضوع اید، این هم نشان می‌دهد روزنامه‌نگاری ما امروزی نیست.

مسئله روزنامه‌نگاری به‌عنوان یک امر تخصصی توجه نمی‌کنیم. من معتقدم دوره لیسانس روزنامه‌نگاری فایده‌ای ندارد و نمی‌توان از یک دانشجوی کارشناسی انتظار داشت که یک خبرنگار در سطح خوبی در بخش‌های تخصصی شود. چون در دوره کارشناسی نمی‌توانند به‌طور عمیق این‌س موضوعات را یاد بگیرد و اگر هم بتواند یاد بگیرد، خیلی فرایند کند و زمان‌بری است. آن تفکری که می‌گفت روزنامه‌نگاری اقیانوسی به عمق یک میلی‌متر است، الان یک اسطوره ابطال‌شده است. روزنامه‌نگاری کسی است که نسبت به قلمرو تحت پوشش خود اشراف عمیق داشته باشد.

بی‌توجهی به سبک‌ها و رویه‌های تازه روزنامه‌نگاری جنبه دیگری هم دارد. برای مثال قاعده‌های تیترونیسی که ما به‌طور معمول در دانشگاه به دانشجویان آموزش می‌دهیم برای روزنامه و ساخت خبر است. همچنین ارتباط ارگانیک بین مراکز آموزش با مراکز حرفه‌ای وجود ندارد و این هم نشان‌دهنده عقب‌ماندگی نظام آموزشی ماست که نتوانسته با صنعت پیوند بخورد و درواقع نتوانسته‌ایم صنعت رسانه را به دانشگاه پیوند دهیم.

الان اگر بخوایم خبرگزاری‌های ایران را طبقه‌بندی کنیم، بعضی از آنها اصلا در زائر روزنامه‌نگاری نمی‌گنجد و بیشتر در زائر جنگ روانی قرار می‌گیرند. وقتی به تیرها نگاه کنیم متوجه این موضوع می‌شویم. با اینکه اسم آنها خبرگزاری است، ولی به‌عنوان یک ارتش عمل می‌کنند. یکی از ویژگی‌های اصلی یک خبرنگار دقت و رعایت کامل امانت است، درحالی‌که به‌دفعات دیده‌ایم یک خبرگزاری یا روزنامه یا رادیو و تلویزیون خودمان از میان مجموعه گفته‌های یک فرد با قطعیت عبارت‌هایش جمله و جمله‌هایی را تیتیر می‌کنند که هیچ سختی با اصل نظر او ندارد. سیاست‌زدی، تحریف‌ریه اعم از خبرگزاری، مطبوعات و رادیو و تلویزیون را به طور خاص و حد تبدیل به ابزار پروپاگاندا کرده است. خب ابزار پروپاگاندا احتیاجی به آموزش روزنامه‌نگاری ندارد و آموزش روزنامه‌نگاری برای آن محل است. روزنامه‌نگار باید آموزش ببیند که عینی‌گرا و منصف باشد و خود را وقف حقیقت کند. درحالی‌که این ویژگی‌ها در بخش مهمی از رسانه‌های ما اختلال ایجاد می‌کند و اینها اصلا احتیاجی به این آموزه‌ها ندارند.

## نقد شیوه‌یک تکذیب در تلویزیون

اعتماد مهم‌ترین عامل جذب مخاطب در فضای رسانه‌های بی‌دروپیکر امروز است؛ اصلی‌که این روزها بر آن تاکید شده و در کنار آن مقوله‌ای به نام «سواد رسانه‌ای» مطرح و از مردم خواسته می‌شود تا اخبار را از منابع معتبر خبری دریافت کنند. اما دراین‌میان نقش رسانه‌های رسمی و ملی نیز در انتشار اخبار درست برای جذب مخاطب بسیار حائز اهمیت است.

خبرگزاری‌ها، مطبوعات، پایگاه‌های خبری و مهم‌تر از همه صداوسیمما به‌عنوان رسانه‌ای که بار سنگین «ملی» را به دوش می‌کشد، باید بیش‌ازپیش به صحت اخباری که منتشر می‌کنند، اهمیت دهند تا بتوانند تفاوت خودشان را با کانال‌های خبری متعدد و متنوع غیررسمی که روزبه‌روز هم بر تعدادشان اضافه می‌شود، مشخص کنند. روز گذشته درحالی‌که شبکه خبر با انتشار خبری درباره دستگیری قاتل شهید محسن حججی باقظعبیت از دستگیری این عضو گروه تروریستی داعش خبر داده بود، دقایقی بعد صحت این خبر از سوی صداوسیما تکذیب شد. این شبکه بعد از مدتی در کانال اطلاع‌رسانی خود نوشت: «پیش از این خبری مبنی بر دستگیری قاتل احتمالی شهید حججی در کانال‌های مختلف، ازجمله کانال شبکه خبر با تاکید بر اینکه منابع رسمی آن را تایید نکرده‌اند، منتشر شد. این خبر ساعتی بعد از سوی منابع رسمی تکذیب شد».

دراین‌میان حسن بهشتی‌پور، کارشناس رسانه، در گفت‌وگویی با ایسنا درباره اهمیت دقت در انتشار خبر معتبر و درست در رسانه‌های رسمی همچون صداوسیمما، با بیان اینکه پیشگامان خبر گاه خطا نیز می‌کنند، اظهار کرد: وقتی رسانه‌ای می‌خواهد در خبرسانی پیشرو باشد، ضربح خطای او نیز بالا می‌رود. بنابراین باید همیشه میان سه عنصر صحت، دقت و سرعت توازن برقرار شود تا دیگر این دست از خطاها رخ ندهد. باید همیشه یادمان باشد که برخی از خطاها ممکن است جبران‌ناپذیر باشد و نتهت‌ها به حیثیت آن رسانه آسیب وارد کنند، بلکه ممکن است منافع و امنیت ملی را نیز به خطر بیندازد.

او ادامه داد: من تجربه سال‌ها فعالیت در عرضه رسانه را دارم و به‌خوبی می‌دانم با وجود همه تلاش‌هایی که در تهیه اخبار می‌شود، باز هم این دست از اشتباهات در کار خبر رخ می‌دهد، اشتباهاتی که باید تمام تلاشی‌مان در جهت به‌اصلا نباشند؛ چراکه به‌هر حال نمی‌شود با این توضیحات، اشتباهات رسانه‌ای را توجیه کرد. هر خبری هر چقدر هم کم‌اهمیت باشد، باید با دقت کافی منتشر شود، زیرا وقتی خبری تکذیب می‌شود، اعتبار آن رسانه نیز سؤال می‌شود. از طرفی هم اشتباهات نسبتا عادی که منافع و امنیت ملی را تحت‌تأثیر قرار نمی‌دهند را هم نباید جماق کرد و توی سر آن رسانه زد. اشتباهی هم که روز گذشته در شبکه خبر رخ داد، خیلی روی امنیت ملی تأثیرگذار بود، اما طبیعتا روی اعتبار و حیثیت رسانه تأثیرات منفی داشت. بهشتی‌پور با بیان اینکه تأثیر خطای رسانه‌ها در افکار عمومی و منافع و امنیت ملی بسیار مهم است، خاطر نشان کرد: باید این موضوع را مورد بررسی قرار داد که به‌عنوان مثال شبکه خبر در شش ماه نخست سال ۹۶ چه تعداد خبر منتشر کرد - آیا واقعیت‌ها با اطلاعاتی که در صحت آنها شک است شاخ و برگ داده شده است؟

آیا اطلاعات به‌روز نیست یا به‌طور آشکار در جهت نفع عمومی نیست یا آیا رویداد کنونی ارزش خبری خود را حفظ کرده است؟
- آیا آن اطلاعات برای مطلب یا گزارش ضروری است؟
**منبع: کمیته آزادی مطبوعات خبرنگاران**